



# حقوق والدین

قسمت دوم

در شماره گذشته به پنج نکته از نکاتی که در قرآن کریم در مورد حقوق پدر و مادر آمده است اشاره نمودیم و اینک دنباله بحث.

**نکته ششم: برخورد با پدر و مادر مشرک و گمراه و گمراه کننده**

شکسی نیست که والدین، بزرگترین نقش را در ساختن زیربنای فکری و اعتقادی فرزند دارند و گذشته از تأثیر عوامل ارثی در طول مدت کودکی و نوجوانی، افکار و اعتقادات خود را در مغز خالی و آماده پذیرش او جای می دهند و چنان افکار القا شده از سوی پدر و مادر در تفکر فرزند، موثر و عمیق است که مشکل است از همه آنها رهائی پیدا کند، حتی اگر پس از بزرگ شدن و تحصیل علم و دانش، راهی غیر از راه آنها برود و دینی غیر از دین آنها پذیرد و تفکر آنان را غلط بداند و از آنها بکلی بیزار شود و اندیشه های آنان را غیر قابل قبول بداند، باز هم برخی از آن افکار و ایده ها خواه ناخواه، بطور مرموزی در بسیاری از کردارها و

گفتارها و طرز تفکر او خودنمایی خواهد کرد و رهایی از تمام آنها بسیار دشوار است.

در عین حال باید انسان واقع جو و حقیقت خواه تا حد توان تلاش کند و برای آزاداندیشی و تفکر سالم، خود را از همه نه مانده های افکار گذشته که آنها را از کودکی، اصل مسلم پنداشته است، رها سازد و گرنه هرگز نخواهد توانست به حقیقت برسد و هر چه ببیند در چارچوبی از افکار گذشته و قالبی از ایده های دیرین خواهد بود.

**رهایی از افکار گذشتگان**

انقلابهای فکری و دگرگونیهای اجتماعی، معمولاً نخست جوانان و نوجوانان را به خود جلب می کنند. این پدیده روشن و واضح که در طی قرون، همه اندیشمندان آن را به تجربه یا به الهام و وحی آموخته اند، تمامی مصلحان و مفسدان را بر این واداشته که در آغاز حرکت تغییر خویشتن، چه بر حق و چه بناحق، جوانان و نوجوانان را گرد خود جمع آورند و از زمینة فکری خالی و مستعد

آنان. که غالباً از افکار خسته کننده قدیم به تنگ آمده اند استفاده نمایند.

اسلام به عنوان یک حرکت فکری نیز در بدو پیدایش و انتشار، بیشترین پیروان خویش را در میان جوانان یافت؛ جوانانی که از افکار پوسیده مشرکان و محیط آلوده و جتایت بار قریش و همه جزیره العرب خسته شده بودند و از این یکدیگرگوشی برای جمع غنیمت، منزجر بودند و فطرت پاک، آنها را به نفسی بت پرستی ابلهانه و جستجوی پروردگاری عیب و خالق مبرا از هر نقص، دعوت می کرد. پدران و مادران از این تحول عظیم که در افکار فرزندان خود می دیدند، سخت آزرده شدند و تمام تلاش و کوشش خویش را در بازگشت آنان به سوی دین نیاکان به کار گرفتند و شاید در برخی موارد نیز موفق شدند.

خداوند متعال که آن همه سفارش پدر و مادر را به نوع انسان فرموده بود، در این مورد، فرمانی برای هدایت انسان فرستاد تا وظیفه خود را در برابر اینگونه پدران و مادران بداند. در آیات هشتم و نهم سوره عنکبوت آمده است:

«وَوَضِعْنَا الْإِنْسَانَ بِالذِّبْنِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ».

ما انسان را به نیکی در باره پدر و مادر سفارش کردیم ولی اگر کوشش کنند و نهایت تلاش را به کار برند تا تو از روی نادانی به من مشرک شوی، از آنها پیروی مکن؛ برگشت همه شما به سوی من است و شما را از کردار خویش آگاه خواهم ساخت. و ما آنان را که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، در زمره صالحان و شایستگان قرار خواهیم داد.

### پیروی نکردن از ایده‌های غلط والدین

آیات فوق، پس از سفارش احسان و خوشرفتاری با پدر و مادر، چند مطلب را گوشزد می‌نماید:

۱- احسان و نیکی با پدر و مادر نباید موجب پیروی کورکورانه از افکار و ایده‌های آنان باشد. تو ای انسان به نیروی عقل مجتهدی تا در راز هستی و آینده خویش فکر کنی و نباید از دین‌نیاکان و پدران و مادران، چشم‌پسته تقلید کنی. و این مطلبی است که در ده‌ها آیه قرآن بر آن تأکید فراوان شده است. قرآن، انسانهای مقلد را که در شناخت حقیقت هستی و آینده جهان و انسان، بجای آزاداندیشی، از افکار پوسیده پیشینیان و نیاکان و پدران و مادران، کورکورانه پیروی می‌کنند، به شدت مورد نکوهش قرار داده است. بدون شک بزرگترین مانع پیشرفت فکری و تمدن بشری، تقلید از پیشینیان است. سالیان دراز اروپای متوحش، به دلیل احترام افکار

گذشتگان، محققان و اندیشمندان خویش را، که مایه افتخار و سربلندی هر امتی هستید، می‌سوزانید تا مردم را گمراه ن سازند! ۲- ممکن است پدر و مادر مشرک و مخالف دین حق برای برگرداندن فرزند به گروه خویش از هرگونه تلاش و کوششی دریغ نوزند؛ از تطمیع و تهدید و تحریک احساسات و خواهش و هر روش دیگر استفاده می‌کنند تا فرزند را به دین و آئین پدران و نیاکان برگردانند. خداوند می‌فرماید: هر چه تلاش کنند تو از آنها پیروی مکن، و برای اینکه انسان بداند که چرا نباید پیروی کند، می‌فرماید: «لِئَشْرَكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ». تلاش آنها برای این است که از روی جهل و نادانی، به من شرک ورزی. یعنی آنها برای تو دلیل قانع‌کننده‌ای ندارند زیرا شرک و بت‌پرستی با هیچ منطقی سازگار نیست. و خداوند متعال در قرآن کریم مکرر از پیش گرفتن راهی که با علم و منطق مخالف است نهی فرموده: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ».

و ممکن است منظور از «مالیس لك به علم» این باشد که آنچه را به تصور خود شریک من قرار می‌دهند، هرگز تعقلی شود متعلق علم قرار بگیرد زیرا معدوم مطلق است و چیزی نیست تا به آن علمی تعلق بگیرد.

### تسلّی دادن به فرزند متعقّد

۳- نگران مباش (ای انسان) که مخالفت پدر و مادر در این امر به تویزانی نخواهد رساند. برگشت همه بسوی من است و شما را از واقعیت‌های پنهان اعمالتان آگاه می‌سازم؛ آنجا که ملکوت و غیب جهان آشکار می‌گردد خواهید دید که معنای بت‌پرستی چیست، و خواهید دانست که

اطاعت از پدر و مادر، حدّ و مرزی دارد. و در ضمن، لحن آیه برای پدران و مادرانی که چنین کوششهایی در راه گمراه کردن فرزندان به عمل می‌آورند، لحنی تهدیدآمیز است.

۴- در آیه بعد نیز، فرزند با ایمان و متعقّد را دل‌داری و تسلّی می‌دهد که اگر از پدر و مادر جدا شدی، تو را چه باک که من مؤمنان نیکوکار را در گروه صالحان و شایستگان قرار می‌دهم. و ضمناً این آیه به انسان گوشزد می‌نماید که انسان مؤمن و هدفدار باید به گروه فکری و اعتقادی خویش پیوندد نه به پدر و مادر و فامیلی که با او در عقیده و فکر مخالفند.

این مطالب به گونه‌ای روش‌تر در سوره لقمان، آیه ۱۵ آمده است:

«وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبِنَا فِي الدُّنْيَا مَغْرُوفًا وَأَتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ».

و اگر پدر و مادر تلاش کنند که تو ندانسته به من مشرک شوی، از آنان پیروی مکن ولی در امور مادی و مسائل دنیوی، با آنان معاشرتی نیکو داشته باش و راه بازگشتگان به سوی من را پیروی کن، سپس بازگشت همه شما بسوی من است که شما را از راز کارهایتان آگاه خواهم ساخت. دو مطلب در این آیه اضافه شده است:

### رفتار فرزندان انقلابی در محیط‌های فاسد

۱- با پدر و مادری که سعی در گمراهی تو دارند نیز معاشرتی نیکو و رفتاری متعارف مانند سایر پدران و مادران داشته باش یعنی عدم پیروی از خط فکری و اعتقادی آنان نباید موجب تضییع حق آنها شود. بهر حال

آنها در راه پرورش تو در زندگی دنیا، متحمل زحمتهای و مشقتها شده‌اند و سپاسگزاری و تشکر از آنان، بر تو ایجاب می‌کند که همچنان احترامشان را نگه داری و با محبت و مهربانی، با آنان معاشرت کنی، در عین حال از افکار و ایده‌های آنان پیروی کن. پیرو راه صالحان باش.

«این مسئله در جامعه انقلابی ما چهره دیگری یافته است. در نامه‌هایی که به دفتر مجله می‌رسد، موارد فراوانی دیده شده است که جوانان انقلابی و مستبدین از وضع خانواده‌های خود بخصوص پدران و مادران شکایت می‌کنند و نمی‌دانند که چگونه باید با آنان رفتار نمایند. جوانانی مؤمن و متعهد به انقلاب در خانواده‌های مرتجع یا ضدانقلاب بالا ابالی، دچار مشکلات فراوانی می‌شوند بخصوص دختران که جایی بجز خانه ندارند. و ما مکرر در پاسخ به نامه‌ها، این نکته را یادآور شده‌ایم که مقاومت و پایداری این فرزندان در چنین محیط‌هایی، خود یک نوع مجاهدت و ستیز با گروه باطل است. و در صدر اسلام نیز اینگونه موارد بسیار بوده است. معمولاً جوانان تازه‌مسلمان از سوی پدر و مادر و دیگر بزرگان فامیل زیر فشار و شکنجه قرار می‌گرفتند، این خود نوعی امتحان و آزمایش است. چه بسیاری جوانان با ایمانی که زندگی مرفه خود را در اینگونه خانواده‌ها رها ساخته و راهی جبهه‌های جنگ یا مراکز بسیج مقاومت شده‌اند. این ایمان و گذشت و پایداری ارزش فراوانی دارد. در عین حال سفارش ما مکرراً به این جوانان، این است که پدر و مادر را بخصوص احترام کنی حتی اگر ضدانقلاب باشند و سعی در گمراهی شما نیز داشته باشند زیرا هر خط فکری انحرافی داشته باشند، بدتر از شرک نیست. شرک زشت‌ترین گناه و بدترین ستم به نفس است و خداوند فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَتَغَيَّرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَتَغَيَّرُ مَا دُونَهُ ذَلِكَ لِمَنْ شَاءَ».

خداوند شرک را نمی‌آورد و هر گناهی را بجز شرک برای آن کس که بخواهد می‌بخشد. بنابراین حتی در مورد شرک و وادار ساختن فرزند به آن، خداوند متعال دستور خوش رفتاری در مسائل مادی و زندگی دنیوی داده است چه رسد به انحرافهای عملی یا اعتقادی.

### انتخاب راه وسط و حد اعتدال

۲- «وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ» با اینکه در جمله قبل، نهی از اطاعت آنان کافی بود که انسان را از پیروی خط انحرافیشان باز دارد ولی چون بر معاشرت نیکو با آنها تأکید شده بود، برای اینکه مبدا این معاشرت، موجب پیروی از آنها شود، فرمود: «ولی راه آنان را که به سوی من باز گشته‌اند، پیروی کن» معیار در پیروی و خط‌پذیری توجیه به سوی خداوند است و تنها راهی که به سوی رضای او می‌رود، صراط مستقیم است.

نتیجه اینکه در آیه فوق، راه وسط و حد اعتدال را در مورد چنین پدر و مادری نشان می‌دهد که انسان نه به سوی افراط در احترام و گرامیداشت آنان بگراید و در مسائل اعتقادی و فکری و مذهبی، گفته خلاف منطبق آنان را بپذیرد و نه به جانب تفریط روی آورد و به دلیل انحراف عقیدتی، حرمت آنها را نگه ندارد و در زندگی به آنان کمک ننماید. بلکه راه وسط انتخاب کند و از هرگونه احترامی در مورد آنان دریغ نوزد و به نحو متعارف و معمول فرزندان با آنان معاشرت کند ولی سخن باطل آنان را هرگز نپذیرد و راه خداجویان را پیش بگیرد زیرا: «إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَتِبْنَكُم بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» بازگشت همه به سوی او است و آنجا که پرده‌ها بالا می‌رود، پدر و مادر وزن و فرزند

به کار انسان نمی‌آیند. «يَوْمَ نَقُورُ الثَّمَرِ مِنْ آيَةِ وَأَمَةٍ وَأَخِيهِ وَصَاحِبِيهِ وَتَنِيهِ» (سوره عبس- ۳۴). روزی که انسان از پدر و مادر و برادر و همسر و فرزندان خویش می‌گریزد (تا او را بی‌پرده نبینند).

### نکته هفتم: حق مادر از حق پدر، برتر و بالاتر است

گرچه از نظر حکم شرعی، پدر بر فرزند قبل از بلوغ و در بعضی موارد حتی پس از بلوغ، ولایت دارد و مادر را ولایتی نیست ولی احسان و نیکی و خوشرفتاری که سفارش شده است، در مورد مادر تأکید بیشتری دارد، گرچه این مطلب در قرآن به صراحت نیامده و از روایات استفاده می‌شود ولی در دو آیه پس از سفارش پدر و مادر، تنها از مشقتها ورنج و تعبهای مادر یاد شده است.

در سوره لقمان آیه ۱۴ می‌فرماید: «وَوَضَّيْنَا لِلْإِنْسَانِ بِوَالِدَيْهِ حَقَّهُهُ اللَّهُ وَهَذَا عَلَيَّ وَهِيَ وَفِصَالُهُ فِي عَامَتَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْغَصْرِ».

«انسان را درباره پدر و مادر سفارش کردیم که مادرش او را حمل کرد، در حالی که ضعف و ناتوانی از این بار پیوسته بر او افزوده می‌شد و تا دو سال او را شیر داد، (سفارش کردیم) که مرا و پدر و مادرت را سپاسگزار باش (و بدان که) بازگشت همه به سوی من است».

در این آیه کریمه، خداوند متعال، احساسات و عاطفه انسان را نسبت به مادر بشدت تحریک می‌کند و به او تذکر می‌دهد که دلیل لزوم شکرگزاری از مادر، این است که او نه ماه یا قدری بیشتری کمتر، سنگینی تو را تحمل کرده و از نیرو و توان خود، تو را نیرو بخشید و بدین ترتیب

رفته رفته ناتوان شد تا تورا بر زمین نهاد و آن روز نیز نیاورد بلکه بطور معمول و متعارف تا دو سال از شیرۀ جان خود، مستکفل تغذیه ات شد، پس باید او را سپاس گویی و در برابرش سر تعظیم فرود آوری.

### ادای حق مادر

و در سوره احقاف، آیه ۱۵ نیز نظیر همین مطلب آمده است:

«وَوَضَّيْنَا لِلْإِنْسَانِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...». ما انسان را به نیکی و احسان در بارۀ پدر و مادر سفارش کردیم چرا که مادرش او را با ناراحتی حمل کرد و با ناراحتی بر زمین گذاشت و (حداقل) دوران بارداری و شیردادنش سی ماه به طول انجامید...».

براستی انسان باید همیشه به یاد داشته باشد که مادر چه رنجها و زحمتهای طاقت فرسایی را در دوران بارداری و نگهداری او تحمل کرده و چقدر در راه حفظ و سلامت او فداکاری نموده است. از اولین روزهای بارداری، مادر همچون یک بیمار از کمبود ویتامین ها، املاح و سایر مواد مورد نیاز بدن رنج می برد، و همراه با رشد جنین، فشار بیشتری بر قلب و اعصاب مادر وارد می شود و در اثر سنگینی جنین و جفت، گرفتار واریس و سایر ناراحتیهای اعصاب و

درد استخوان می گردد. خداوند این ناراحتی ها را «گره» نامیده است گرچه مادر همه اینها را معمولاً با رضایت خاطر و به شوق دیدار فرزند تحمل می کند، پس «گره» در اینجا بمعنای کراهت و نارضایتی نیست بلکه بمعنای سختی و مشقت است.

و از آن بالاتر، مشکل وضع حمل است که گاهی به قیمت جان مادر تمام می شود و از آن پس، دوران شیردادن و نگهداری است که اگر جنین بمقدار حداقل حمل یعنی شش ماه در شکم ما در باشد، با دو سال شیردادن، سی ماه تمام می شود و اگر بطور معمول نه ماه باشد، سی و سه ماه خواهد بود. این دوران نیز برای مادر وظیفه شناس- که اکثر مادران در این رابطه چنین اند- دوران بسیار دشوار و سختی است؛ رعایت نظافت، بهداشت و تغذیه و برطرف ساختن دردها و ناراحتیهای کودک و نگهداری او از سرما و گرما و سایر نیازهای فراوان کودک با توجه به ناتوانی او حتی از اظهار نیاز، کاری بسیار سخت و خسته کننده است. ولی مادر همه اینها را با مهر و محبت تحمل می کند و هیچ توقعی در برابر آن ندارد حتی توجه به ثواب اخروی آن نیز ندارد. انسان باید چنین نعمت عظیم را ارج نهد و از تلافی آن همه محبت و لطف،

اقرار و اعتراف به عجز و درماندگی نماید؛ هرگز انسانی قادر بر ادای حق مادر نیست. «رَبِّ اَوْزَعْنِي اِنْ اَشْكُرْ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَتِي».

پروردگارا به من الهام بخش تا شکر گویم نعمتی را که بر من و پدر و مادرم تفضل فرمودی.

### پوش و توضیح

در مقاله «حقوق والدین» شماره ۷۲. (ماه گذشته) در صفحه ۳۴، یک سطر از آخرین فراز ستون دوم، جا افتاده بود، که با عرض پوش از خوانندگان گرامی، این قسمت را دوباره به چاپ می رسانیم:

تأکید قرآن بر ذکر احسان و مراعات پدر و مادر در سطح توحید و نفی شرک و عبادت و پرستش و شکر نعمتهای الهی، به روشنی این مطلب را ثابت می کند که رعایت حق پدر و مادر، پس از توحید و پرستش خداوند، بزرگترین عمل و مهمترین وظیفه و بالاترین واجب از واجبات الهی است و عدم رعایت حقوق آنان، بزرگترین گناه پس از شرک است و لذا آن را در سوره اسراء که در مورد شمارش گناهان کبیره آمده بلافاصله پس از شرک و پیش از سایر کیسائر ذکر فرموده است، البته به تعبیر لزوم و وجوب احسان.

ادامه دارد

### قانون شکنان حیا ندارند

• پیامبر اکرم «ص»:»

«اِذَا لَمْ تَسْتَحْجِ فَاَفْعَلْ مَا سِئْت».

(مستدرک- ج ۲- ص ۸۶)

وقتی که شرم و حیا را از دست دادی هر چه می خواهی بکن (یعنی افراد بی حیا از گناه و قانون شکنی باک ندارند).